

آثار مثبت طلاق بر کودکان و والدین

سیده آسیه تقوی - دانشجوی رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارتش

مقدمه: در هر جامعه ای، ممکن است کودکان، شاهد جدایی والدین خود باشند. طلاق، کودکان و والدین را تحت تأثیر خود قرار می دهد. آمار رو به رشد طلاق در کشور ما، که بین سالهای ۸۹ تا ۵۰، ۶/۵ برابر بیش از ازدواج بوده و از نظر شیوع طلاق، در رتبه ی ۴ جهان قرار داریم، اهمیت اطلاع یافتن از تأثیرات طلاق را بیش از پیش به ما نشان میدهد.

هدف: این مقاله به جنبه های مثبت طلاق توجه نموده و سعی می کند راهکارهایی جهت سازگاری بیشتر کودکان و والدین با آن، ارائه دهد. **روش کار:** مقاله ی حاضر، از بررسی مقالات کتابخانه ای و جستجوی اینترنتی استخراج شده است.

یافته ها و نتایج: آمارها نشان میدهد که زنان، ۲ برابر بیش از مردان، تمایل به طلاق دارند. اما ۶۰٪ افراد زیر خط فقر، زنان مطلقه ی سرپرست خانواده اند. مردان دید منفی بیشتری نسبت به طلاق دارند. پسران در مواجهه با طلاق، عصبانی بوده و تمایل به نافرمانی دارند. ولی دختران گوشه گیر و مضطرب اند. اما طلاق جنبه های مثبتی هم دارد. طلاق، سبب صمیمیت بیشتر کودک با والد سرپرست خود میشود. آنها، یاد میگیرند تا در برابر سختیها محکم باشند. در نتیجه اعتماد به نفس آنها افزایش می یابد. آنها سریع تر به بلوغ میرسند و این، موجب افزایش احساس مسئولیت پذیریشان میشود. جدایی حتی سبب آرامش والدین میشود. زمانی که یکی از والدین، زندگی مشترک را تنها سوء استفاده ی فیزیکی، عاطفی یا جنسی از خود بدانند، جدایی سبب افزایش اعتماد به نفس او میشود.

بحث و نتیجه گیری: با وجود آثار سوء طلاق بر جامعه، گاهی اوقات جدایی به نفع کودک و والدین میباشد. مثلاً در صورت وجود نزاع دائمی میان والدین، جدایی سبب آرامش فرزندان میشود. چون عدم جدایی در این شرایط، به کودکان الگوی نامناسب ارتباطی ارائه میدهد. در این مواقع جدایی حتی میتواند، موجب احساس امنیت روانی و احساس راحتی والدین شود.

پیشنهادهای: افزایش سطح سلامت روانی والد و فرزند، موجب سازگاری آنها با طلاق می شود. افراد مطلقه با کشف مجدد توانمندیهایشان، سبب افزایش اعتماد به نفس خود میشوند. مهم ترین منبع حمایتی کودک، برنامه های مدرسه ای است که موجب میشود کودکان درباره ی تجربیات خود حرف زده و مهارتهای ارتباطی کسب کنند.

کلمات کلیدی: طلاق، کودک، سازگاری

اضطراب مادران شیرخواران بستری در بیمارستان

راحله محمدی - کارشناس ارشد، مربی و عضو هیات علمی دانشکده پرستاری

مامایی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

مهری سیدجوادی - کارشناس ارشد، مربی و عضو هیات علمی دانشکده پرستاری

مامایی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

عفت مظاهری - کارشناس ارشد، مربی و عضو هیات علمی دانشکده پرستاری

مامایی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

زمینه و هدف: بحران ناشی از بستری شدن استرس شدیدی را به والدین وارد می کند، در زمان بستری شدن کودک در بیمارستان والدین از حالت تعادل خارج شده و دچار تنش و اضطراب می شوند. با توجه به ارتباط نزدیک پرستار با مادران کودک و شیرخوار بستری، پرستار می تواند نقش موثری در کاهش تنش و ناراحتی مادران شیر خوار بستری در بیمارستان داشته باشد، لذا با توجه به اهمیت موضوع و نقش پرستار در این زمینه این پژوهش با هدف تعیین میزان

اضطراب مادران شیر خواران بستری در بیمارستان و تعیین عوامل اصلی و مهم مرتبط با آن در جهت تلاش برای کاهش این عوامل انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش یک مطالعه توصیفی- مقطعی است که ۸۰ نفر از مادران به روش نمونه گیری آسان انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. پرسش نامه بر اساس مطالعات پژوهشگر و الگوی NICU PSS طراحی شد که شامل ۸ سوال مربوط به خصوصیات دموگرافیک و ۴۳ سوال مربوط به عوامل تنش زا بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری اس پی اس و روش های آماری توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

یافته ها: بررسی میزان تنش مادران نشان داد که نمره تنش آنها ۲۱/۶۰ - ۱۶۴/۶۱+ بود که از بین عوامل مربوط به تنش مادران بیشترین نمره تنش مربوط به روش های مراقبتی با نمره ۷/۳۵+ و ۳۳/۳۷ و کمترین نمره تنش مربوط به رفتار کارکنان با نمره ۲/۹۸+ و ۱۰/۸۳ بود.

نتیجه گیری: مادران کودکان بستری در بیمارستان تنش زیادی را تحمل می کنند و با عوامل مختلفی که منبع تنش است مواجه می شوند. میزان تنش مادران ارتباطی با مشخصات دموگرافیک مادر و جنسیت نوزاد ندارد و تقریباً همه مادران در هر شرایط دموگرافیکی با بستری نوزاد در بیمارستان دچار تنش می شوند که از بین عوامل ایجاد کننده تنش، بیشترین عامل مربوط به روش های مراقبتی و کمترین مربوط به رفتار کارکنان می باشد، لذا پرستاران باید از عوامل ایجاد کننده تنش آگاهی داشته باشند تا بتوانند تدابیر مناسب جهت کاهش تنش مادران و متعاقباً کاهش عوارض آن اتخاذ کنند.

کلمات کلیدی: استرس، مادران، شیرخواران، بیمارستان

بررسی میزان مرگ و میر و تعیین برخی مشخصات دموگرافیک

کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه فوت شده در استان گیلان در سالهای

۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۱

ملوک پورعلیزاده - کارشناس ستادی اداره پرستاری و مامایی دانشگاه علوم

پزشکی گیلان - کارشناس ارشد پرستاری کودکان

فاطمه رشیدی - مدیر پرستاری اداره پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی

گیلان - کارشناس پرستاری

صدیقه عبداللهی - کارشناس ستادی اداره پرستاری و مامایی دانشگاه علوم

پزشکی گیلان - کارشناس پرستاری

الهام آخوند زاده - کارشناس ستادی اداره پرستاری و مامایی دانشگاه علوم

پزشکی گیلان - کارشناس ارشد مامایی

دکتر مرتضی رهبر طارمیری - معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گیلان -

متخصص مسمومیت

مقدمه و اهداف: مرگ و میر کودکان از مهمترین شاخصهایی است که نشان دهنده توسعه کشورها میباشد و علت انتخاب این شاخص بعنوان نمایه توسعه، تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی در کاهش یا افزایش آن است. براساس آمار موجود، از کل موالید سالها نه در دنیا بیش از ۱۴ میلیون نفر در اولین سال زندگی از بین می روند. میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در ایران، ۲۶ در یک هزار تولد زنده است. نتایج تحقیقات سال ۱۳۸۸ در گیلان نشان میدهد که شایعترین علت مرگ و میر کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه ناهنجاری مادرزادی عصبی و بیماریهای دستگاه عصبی میباشد. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه ای علل مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در استان گیلان انجام گرفته است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی است. جامعه پژوهش کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه ای بودند که به دلایل مختلف در طی دو سال و نیم (از سال ۱۳۸۹ تا مرداد ۱۳۹۱) در استان گیلان فوت نموده اند. ابزار مطالعه پرسشنامه ای ۴ قسمتی است که مربوط به مراحل سیر بیماری تا فوت کودک میباشد. روش جمع آوری اطلاعات تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه با والدین